

در بررسی موانع و علل آغاز نشدن عملیات اجرایی تکمیل تصفیه‌خانه سپتاژ مطرح شد

سپتاژ؛ قربانی اختلاف شهرداری و آبفا



فریده خسروی | کشف‌رود سال‌هاست درگیر فاضلاب و پساب‌هایی است که راه خود را به این رودخانه و اراضی پیرامونی باز کرده‌اند؛ معضلی قدیمی که با وجود ورود دستگاه‌های مختلف و اجرای طرح‌های گوناگون برای ساماندهی آن، همچنان یکی از مسائل جدی زیست‌محیطی مشهد به شمار می‌رود. در این میان، فاضلاب تانکرهای تخلیه چاه‌های جذبی نیز به یکی از حلقه‌های این زنجیره تبدیل شده است؛ فاضلابی که باید مسیر مشخصی برای انتقال و تصفیه داشته باشد تا سر از کشف‌رود، زمین‌های کشاورزی یا نقاط غیرمجاز درنیابد.

یکی از طرح‌هایی که قرار بود بخشی از این معادله را حل کند، تصفیه‌خانه سپتاژ مشهد است؛ پروژه‌ای که از ابتدا با هدف ساماندهی فاضلاب سپتیک و ایجاد مسیر مشخص برای پذیرش و تصفیه فاضلاب تانکری تعریف شد. اهمیت این پروژه فقط به ظرفیت تصفیه آن محدود نمی‌شود؛ بلکه بهره‌برداری از آن می‌تواند تکلیف یکی از منابع ورود فاضلاب به محیط پیرامونی مشهد را روشن کند. با این حال، سرنوشت این پروژه در سال‌های گذشته با توقف و وقفه همراه بوده و هست.

توقف طولانی تصفیه‌خانه سپتاژ در ایستگاه عملیات اجرایی

اکنون راه‌اندازی این تصفیه‌خانه پس از انتخاب پیمانکار جدید همچنان تعطیل و عملیات اجرایی برای تکمیل آن آغاز نشده‌است. به‌منظور بررسی موانع و علل آغاز نشدن عملیات اجرایی تکمیل این تصفیه‌خانه، ابتدا به سراغ حسین مختاری، مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری مشهد رفتیم تا درباره وضعیت فعلی ساخت این تصفیه‌خانه گفت‌وگویی داشته باشیم. او در گفت‌وگو با طوس ساخت تصفیه‌خانه فاضلاب سپتاژ را یکی از تعهدات مهم شهرداری مشهد براساس توافق‌نامه مشترک همکاری سال ۱۳۹۸ برای ساماندهی کشف‌رود عنوان کرد و گفت: در تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۹۸، تفاهم‌نامه ساماندهی کشف‌رود میان مدیران ۱۳ دستگاه اجرایی و سازمان دولتی در استانداری خراسان رضوی انعقاد یافت و فرماندهی عملیات ساماندهی این رودخانه به شهرداری مشهد واگذار شد. مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری مشهد با اشاره به اقدام‌های گسترده شهرداری برای

گفت‌وگو

ماجرای فرار ۷۰ نفر از معنادان یک کمپ ترک اعتیاد ماده ۱۶ مردان در مشهد چه بود؟

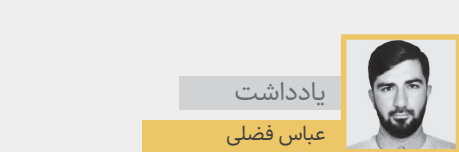
پرونده فرار از کمپ در دست پیگیری

هستند و به همین دلیل مددکاران بیشتر در کمپ ترک اعتیاد مذکور حضور دارند و معمولاً نیروی حفاظتی، امنیتی و انتظامی به‌صورت مستقر در این مراکز نیستند و بخش عمده امور توسط مددکاران اجتماعی و روان‌شناسان انجام می‌شود. به همین دلیل چند نفر نتوانستند از شرایط موجود استفاده کرده و فرار کنند.

انتقال مددجویان پیدا شده به مکان امن‌تر

مدیرکل بهزیستی خراسان رضوی درباره انتقال افراد پیدا شده و دیگر معنادانی که در این کمپ بستری بودند، به محل دیگر اظهار کرد: دلیل این تصمیم، حفظ امنیت مددجویان است. انتظار داریم افرادی که زیر پوشش خدمات اجتماعی قرار دارند، در محیطی امن نگهداری شوند. به همین دلیل کسانی که پس از حادثه پیدا شدند و حدود ۱۵۰ مدجویی که در مرکز حضور داشتند، از محل قبلی به مکانی امن‌تر منتقل شدند تا از وقوع احتمالی حادثه دیگری جلوگیری شود. خوشبختانه در این حادثه به کسی آسیبی نرسیده است.

برجی در پاسخ به اینکه آیا شرایط کمپ موجب فرار مددجویان شده یا خیر، توضیح داد: مراکز ماده ۱۶ تا حدودی شرایط محیط‌های شبه‌زندان دارند و معنادان با دستور قضایی به این مراکز منتقل می‌شوند. معمولاً وقتی شخصی با دستور قضایی به این مراکز انتقال می‌یابد، تمایل بیشتری به آزادی دارد. بسیاری از افرادی که در این مراکز نگهداری می‌شوند، از سوی خانواده‌ها رها شده و بدون سرپرست هستند و معمولاً فضاهایی مانند پارک‌ها، بولوارها و زیر پل‌ها جمع آوری می‌شوند. این افراد در مرحله تصمیم‌گیری درست نبوده و تحت تأثیر مواد مخدر هستند و ممکن است به خاطر این شرایط تصمیم‌های نادرستی بگیرند. حتی در روز حادثه نیز بسیاری از مددجویانی که در مراحل



یادداشت

عباس فضلی

مشهد را چه کسی روایت می‌کند؟

مشهد شهری معمولی نیست. حضور مضجع امام رضا(ع)، این شهر را به یکی از مهم‌ترین شهرهای مذهبی جهان اسلام و یکی از کانون‌های فرهنگ شیعی تبدیل کرده؛ اما یک پرسش جدی وجود دارد: این ویژگی، جز در محدوده حرم مطهر، کجای شهر دیده و تجربه می‌شود؟ در سال‌های اخیر، مشهد به سرعت در حال توسعه زیرساخت‌های تفریحی، گردشگری، تجاری و اقامتی است؛ از پارک‌های آبی و گردشگری غذا گرفته تا مجموعه‌های موضوعی و مراکز تفریحی جدید. توسعه این فضاها ذاتاً مسئله نیست. هر شهر زنده‌ای به نشاط، تفریح و اقتصاد گردشگری نیاز دارد. مسئله، جای دیگری است؛ در کنار این همه توسعه، چه زیرساخت‌هایی برای بازنمایی و تجربه هویت فرهنگی مشهد ایجاد کرده‌ایم؟ ما برای سرگرمی انتخاب‌های مختلفی داریم؛ اما اگر یک خانواده بخواهد در کنار تفریح، با فرهنگ رضوی، معارف اهل بیت(ع) یا روایت خاص مشهد آشنا شود، انتخاب‌هایش هنوز بسیار محدود است.

حرم مطهر؛ نقطه پایان یا نقطه آغاز؟

امروز بخش مهمی از هویت فرهنگی مشهد در محدوده‌ای پیرامون حرم مطهر متراکم شده است. هرچه از این محدوده فاصله می‌گیریم، شهر بیشتر شبیه هر کلانشهر دیگری می‌شود. حرم منور نباید یک جزیره فرهنگی در مرکز شهر باشد؛ بلکه باید قلب یک شبکه فرهنگی گسترده به شمار بیاید. قرار نیست همه شهر را مذهبی کرده یا هر فضای تفریحی را به یک مرکز تبلیغی تبدیل کنیم. مسئله این است که شهر بتواند چیزی از «مشهد» را در تجربه روزمره خود حفظ کند؛ آن هم به زبانی که برای کودک، نوجوان، خانواده و زائر امروز جذاب باشد.

فردای مشهد چه قصه‌ای دارد؟

اینجا یک نکته مهم وجود دارد. صحبت از هویت فرهنگی، به معنای بازگرداندن مردم به گذشته نیست. مشهد قرار نیست موزه‌ای بزرگ باشد که فقط تاریخ خود را نمایش دهد. ما به گذشته برای ساختن آینده نیاز داریم. نه برای جایگزین کردن آینده. هر شهری برای فردای خود به یک روایت نیاز دارد. مشهد نیز باید بداند در سال‌های آینده چه تجربه‌ای برای شهروند و زائر خود می‌سازد و چه تصویری از خود به نسل جدید ارائه می‌کند. می‌توان از فناوری، بازی، هنر، گردشگری، واقعیت مجازی و اقتصاد خلاق استفاده کرد؛ اما این ابزارها باید در خدمت چیزی باشند که مشهد را از دیگر شهرها متمایز می‌کند؛ یعنی قصه آینده مشهد باید با شناخت درست از داشته‌های فرهنگی و معنوی آن نوشته شود.

از تماشای فرهنگ تا تجربه آن

مخاطب امروز فقط با کتاب و موزه ارتباط برقرار نمی‌کند. او می‌خواهد ببیند، بازی کند، کشف کند و تجربه داشته باشد. اینجاست که مفهوم Edutainment یا سرگرم‌آموزی اهمیت پیدا می‌کند؛ یعنی آموزش و آگاهی در دل تجربه و سرگرمی. چرا یک مجموعه تفریحی خانوادگی نتواند بخشی از مفاهیم فرهنگ رضوی را در قالب بازی و روایت عرضه کند؟ چرا یک مرکز گردشگری نتواند قصه میهمان‌نوازی مشهد را به تجربه‌ای جذاب تبدیل کند؟ چرا فناوری نتواند مخاطب را با مفاهیمی مانند زیارت، کرامت، علم و اخلاق آشنا کند؟ در این مدل، مخاطب وارد کلاس درس نمی‌شود؛ سرگرم می‌شود و در جریان سرگرمی چیزی را کشف می‌کند.

تجربه‌هایی که می‌توانستند بمانند

مشهد در این زمینه کاملاً بی‌تجربه نیست. «موزه زنده زیارت» و «مشهد دوست‌داشتنی» نشان دادند روایت فرهنگی اگر با زبان خلاق و تجربه‌محور ارائه شود، می‌تواند مخاطب خود را پیدا کند. این تجربه‌ها یک واقعیت مهم را ثابت کردند: مردم از فرهنگ فاصله نمی‌گیرند؛ از شیوه‌های خسته‌کننده ارائه فرهنگ فاصله می‌گیرند. ای کاش به جای حذف چنین تجربه‌هایی، آن‌ها را توسعه می‌دادیم و برای ساختن الگوهای تازه استفاده می‌کردیم.

یک شهر، یک شبکه روایت

راه‌حل، ساختن یک پروژه منفرد دیگر نیست. مشهد به یک شبکه نیاز دارد؛ شبکه‌ای از فرصت‌های فرهنگی در حوزه کودک و نوجوان، گردشگری، فناوری، هنر، بازی، تفریح و اقتصاد خلاق. در چنین نگاهی، هر بخش از شهر می‌تواند به زبان خودش بخشی از «مشهد» را روایت کند؛ نه با شعار و تابلو؛ بلکه با داستان، تجربه و خلاقیت. امام رضا(ع) می‌فرمایند: «رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَتًا». شاید امروز یکی از مصادیق احیای امر اهل بیت(ع) همین باشد که مفاهیم و معارف آن‌ها را با زبان نسل جدید به زندگی شهری وارد کنیم.

اگر ما روایت نکنیم، دیگران روایت می‌کنند

توسعه مشهد متوقف نمی‌شود. مجموعه‌های تازه ساخته خواهند شد. سرمایه‌گذاری ادامه پیدا خواهد کرد و سبک زندگی شهروندان نیز تغییر خواهد یافت. پس پرسش این نیست که مشهد باید توسعه پیدا کند یا نه؛ پرسش این است که این توسعه قرار است چه جهه‌ای از مشهد بسازد؟ اگر برای فرهنگ شهر زیرساخت نسازیم، سایر زیرساخت‌ها چهره شهر را خواهند ساخت. هنوز فرصت داریم؛ فرصتی برای اینکه میان امام رضا(ع) و نسل آینده، میان فرهنگ و فناوری و میان هویت و زندگی روزمره، پیوندی تازه ایجاد کنیم. مشهد به شهری نیاز ندارد که فقط حرم مطهر امام رضا(ع) را در خود جای داده باشد؛ به شهری نیاز دارد که فرهنگ رضوی در آینده آن نیز حضور داشته باشد. پرسش همچنان باقی است: مشهد را چه کسی روایت می‌کند؟

و می‌گویند فاضلاب کالورت التیمور را به شهرداری نمی‌دهند. اگر ندهند، شورای شهر هم تصمیم ندارد که این پروژه را تکمیل کند. این تفاهم‌نامه دوطرفه است؛ اگر آن ۳۰۰ لیتر پساب را بدهند، ما هم تعهدات خودمان را انجام می‌دهیم.

موحدیان ادامه داد: مسئولان اداره آب و فاضلاب می‌گویند آقای وزیر گفته‌اند فاضلاب ۳۰۰ لیتر در ثانیه کالورت التیمور را به شهرداری ندهید. در این صورت ما هم تعهدی نداریم که سپتاژ را تمام کنیم؛ چون وظیفه شهرداری نیست. اداره آب و فاضلاب موظف است این کار را انجام دهد. هر شرکت صنعتی نیز که پسابی تولید می‌کند، یا باید از طریق آگو دفع کند یا باید خودش تصفیه آن پساب را انجام دهد.

وعده پیگیری

حجت‌الاسلام حسنعلی اخلاقی امیری، نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی نیز درباره این موضوع در گفت‌وگو با طوس با اشاره به تفاهم‌نامه سال ۱۳۹۸ اظهار کرد: در آن زمان رقم پیش‌بینی شده به منظور ساماندهی، حدود ۹۰۰ میلیون تومان بود که برای مدیریت شهری عدد بزرگی محسوب نمی‌شد؛ اما موضوع به تأمین اعتبار از سوی دولت گره خورد و در نهایت نیز به سرانجام نرسید.

او تصریح کرد: امروز طبیعتاً هزینه ساماندهی چندین برابر شده و رقم بسیار بزرگ‌تری نیاز است؛ اما همچنان معتقدم مسئله اصلی، اولویت دادن به کشف‌رود و ایجاد اراده برای حل آن خواهد بود.

حجت‌الاسلام اخلاقی امیری افزود: در شرایط عادی ممکن است تخصیص بودجه برای چنین پروژه‌ای با دشواری‌های بیشتری مواجه باشد؛ اما اگر مسئله به‌عنوان یک بحران واقعی شناخته شود، ظرفیت‌های دیگری برای تأمین منابع وجود خواهد داشت. نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: بخشی از این حساسیت، نتیجه تلاش رسانه‌ها و پیگیری‌هایی بود که در این زمینه صورت گرفت؛ اما اکنون باید این اولویت‌گذاری به اقدام عملی تبدیل شود. او همچنین در واکنش به اختلاف شورای شهر مشهد و آبفا در زمینه اجرای تفاهم‌نامه تأکید کرد: اگر واقعاً چنین امری اتفاق افتاده باشد، بی‌شک پیگیری خواهم کرد، ضمن اینکه سلامت مردم و آلودگی کشف‌رود نباید وجه‌المصلاحه مسائل مالی قرار گیرد. اگر چنین باشد، به وزیر نیرو باید تذکر داد. همچنین لازم است به وزیر کشور تذکر داده شود؛ چرا که شورای شهر مشهد سلامت مردم را به خاطر مسائل مالی به گروگان گرفته است.

اختلافی که موجب خاک خوردن سرمایه عمومی شده است

تصفیه‌خانه سپتاژ مشهد در حالی پس از سال‌ها به بهره‌برداری نرسیده که تکمیل آن به گرهی میان تعهدات شهرداری و اداره آب و فاضلاب تبدیل شده است. ادامه این وضعیت یعنی سرمایه‌ای که می‌توانست در خدمت ساماندهی فاضلاب مشهد و بالا بردن سطح سلامت آب برای مردم قرار گیرد، همچنان بدون استفاده بماند و هزینه تکمیل آن نیز هر روز بیشتر شود.

دولت باید در راستای تأمین سلامت شهروندان و آب شرب مورد نیاز کلانشهری همچون مشهد، به این اختلافات پایان دهد و زیرمجموعه خود را به اجرای تعهداتش پایبند کند. نمی‌توان از یک سو بر ضرورت ساماندهی کشف‌رود و جلوگیری از ورود فاضلاب به محیط زیست تأکید کرد و از سوی دیگر، پروژه‌ای را با چنین کارکردی در پلاتکلیفی نگه داشت. سپتاژ نیازمند یک تصمیم روشن و فوری است؛ یا باید تعهدات دوطرف به اجرا برسد یا راهکار جایگزین برای فعال شدن این سرمایه نیمه‌تمام ارائه شود؛ چراکه ادامه این وضعیت نتیجه‌ای جز افزایش هزینه و خاک خوردن سرمایه عمومی نخواهد داشت.

بهبود قرار داشتند، فرار نکردند.

تغییر کاربری مرکز بانوان به مرکز نگهداری آقایان

مدیرکل بهزیستی خراسان رضوی با بیان اینکه این مرکز پیش‌تر برای نگهداری بانوان استفاده می‌شد، افزود: در مشهد دو مرکز ماده ۱۶ برای نگهداری بانوان داشتیم که پس از بررسی‌های تخصصی تصمیم گرفته شد شرایط مناسب‌تری برای نگهداری آن‌ها فراهم شود. بر همین اساس، حدود یک ماه پیش بانوان به مرکزی با شرایط مناسب‌تر منتقل شدند و این مرکز نیز با توجه به نیاز موجود و مشخصات ثبت شده آن را تغییر نداده و به همین دلیل عنوان قبلی مرکز همچنان در برخی جست‌وجوهای اینترنتی دیده می‌شود.

نگهداری حدود ۱۵ هزار و ۵۰۰ متعادر در ۱۷ مرکز

برجی با اشاره به وضعیت مراکز ماده ۱۶ در استان گفت: سال گذشته در ۱۷ مرکز ماده ۱۶ حدود ۱۵ هزار و ۵۰۰ متعادر متعاجر نگهداری می‌شدند و طبیعتاً نگهداری این تعداد، هزینه قابل توجهی دارد؛ اما متأسفانه آن‌طور که باید، خروجی مناسبی ندارد. بنابراین لازم است پیگیری‌های ویژه‌تری انجام شود و سیاست‌مادر سال جاری، کاهش مراکز ماده ۱۶ است تا بتوانیم اعتبار بیشتری برای افزایش تمرکز بر پیشگیری از اعتیاد اختصاص دهیم. در همین راستا از سال گذشته این موضوع را با جدیت دنبال کرده‌ایم؛ به این معنا که پس از ترخیص افراد از مراکز، وضعیت آن‌ها نیز پیگیری شود و حمایت‌های لازم ادامه پیدا کند. برقراری ارتباط و پیوند دوباره با خانواده و همچنین فراهم کردن زمینه اشتغال از دیگر اقدام‌هایی است که باید برای این افراد دنبال شود.